

ژوئل دیکر

ریشه‌های شر

حقیقت ماجرای هری کیوبرت

ترجمه‌ی ناهید فروغان



انتشارات نیلوفر

فهرست

روز واقعه (شنبه، ۳۰ آوریل ۱۹۷۵)..... ۷

پیش درآمد

اکتبر ۲۰۰۸ (۳۳ سال بعد از واقعه)..... ۹

بخش اول

بیماری نویسندگان

(هشت ماه پیش از انتشار کتاب)

۳۱. در اعماق حافظه..... ۱۵

۳۰. مارکوس بزرگ..... ۴۱

۲۹. آیا می شود عاشق دختری پانزده ساله شد؟..... ۶۵

۲۸. اهمیت یادگیری سقوط..... ۸۹

۲۷. جایی که قرار بود گل های ادریسی کاشته شود..... ۱۱۳

۲۶. ن - و - ل - ا..... ۱۴۳

۲۵. نولا..... ۱۵۷

۲۴. خاطره ی جشن ملی..... ۱۸۳

۲۳. کسانی که او را خوب می شناختند..... ۱۹۹

۲۲. تحقیقات پلیس..... ۲۲۹

۲۱. درباره ی مشکلات عشق..... ۲۵۱

| | | |
|-----|-------------------|----|
| ۲۷۳ | روز گاردن پارتی | ۲۰ |
| ۲۹۳ | ماجرای هری کیوبرت | ۱۹ |
| ۳۲۳ | مارتاز وینیارد | ۱۸ |
| ۳۴۵ | قصه فرار | ۱۷ |
| ۳۷۳ | ریشه‌های شر | ۱۶ |
| ۳۹۹ | پیش از طوفان | ۱۵ |

بخش دوم
شفای نویسندگان
(نگارش کتاب)

| | | |
|-----|--------------------------------------|----|
| ۴۲۳ | ۳۰ اوت ۱۹۷۵ کذایی | ۱۴ |
| ۴۴۱ | طوفان | ۱۳ |
| ۴۷۳ | نگارگر | ۱۲ |
| ۴۹۳ | در انتظار نولا | ۱۱ |
| ۵۱۱ | جست‌وجو برای یافتن دختری پانزده‌ساله | ۱۰ |
| ۵۲۹ | مونت کارلوی سیاه | ۹ |
| ۵۵۹ | کلاغ | ۸ |
| ۵۹۱ | بعد از نولا | ۷ |
| ۶۰۷ | مرام بارناسکی | ۶ |
| ۶۳۱ | دخترکی که امریکا را تکان داد | ۵ |
| ۶۶۱ | خانه‌ی دوست‌داشتنی آلاباما | ۴ |
| ۶۸۱ | روز انتخابات | ۳ |
| ۷۰۳ | دست آخر بازی | ۲ |
| ۷۲۱ | حقیقت ماجرای هری کیوبرت | ۱ |

سخن آخر: اکتبر ۲۰۰۹

| | | |
|-----|----------------------------|--|
| ۷۶۹ | (یک سال پس از انتشار کتاب) | |
|-----|----------------------------|--|

روز واقعه (شنبه، ۳۰ آوریل ۱۹۷۵)

- اداره‌ی پلیس، بفرمایید!
 - الو، دבורا کوپر پشت خط است، ساکن ساید کریکلین. چند لحظه پیش دختر جوانی را در جنگل دیدم که مردی در تعقیبش بود.
 - دقیقاً چی دیدید؟
 - نمی‌دانم! دم پنجره بودم، نگاهم به جنگل بود، دیدم دختری بین درخت‌ها می‌دود... مردی پشت سرش بود... گمانم دختری از دست او فرار می‌کرد.
 - حالا چه می‌بینید؟
 - دیگر... دیگر نمی‌بینمشان. رفتند داخل جنگل.
 - همین الان گشت را می‌فرستیم.
 - ممنون، عجله کنید!
- واقعه‌ای که شهر اورورا در نیوهمپشر را تکان داد با این تلفن آغاز شد. آن روز نولا کلرگان، پانزده‌ساله، دختر جوانی ساکن آن منطقه، ناپدید شد و دیگر ردی از او به دست نیامد.